

## هدایه نوربخش

# عرصه‌ها و نهادهای شهری در تهران عصر مشروطه

انقلاب مشروطه را می‌توان مهم‌ترین تحول ایران در یکصد سال گذشته دانست. این تحول عظیم، که بر همه شئون زندگی جهان ایرانی کماییش اثر گذاشت، در شهر و فضای شهری نیز، که زمینه زندگی اجتماعی و عرصه کنش سیاسی و اجتماعی است، بی‌تأثیر نبود. در این انقلاب، مانند هر حرکت جمعی دیگر، شهر بستر کنش اجتماعی است که در آن برخی مکانها، به علل مختلف، قابلیت بیشتری برای پذیرش این تحولات دارند. گرچه جنبش مشروطه در بسیاری از شهرهای ایران ظهور یافت؛ دو کانون اصلی و پرالتهاب انقلاب، تهران و تبریز بود، که به علت تفاوت ساختاری حیات این دو شهر در آن زمان و همچنین تفاوت وضع جنبش در آنها، هریک جداگانه قابل بررسی است.

در تهران عصر مشروطه، گروهها و اقسام مختلف در گیر در انقلاب به چه نهادهایی روی می‌آوردن، در چه مکانهایی حضور می‌یافتدند، و چه کنشهایی در این مکانها روی می‌داد؟ تلاش برای پاسخ گفتن به این پرسش دست‌کم دو فایده دارد:

۱) همان‌طور که بررسی دستاوردهای این دوره در زمینه هنر، ادبیات، متون فلسفی و اجتماعی و ... به روشن شدن جو حاکم بر دوران کمک می‌کند، بررسی اینکه در آن زمان گروههای مختلف به چه نهادهایی به منزله پایگاه ایجاد تحول و به چه مکانهایی به منزله عرصه عمل جمعی روی می‌آورند نشان طرز نگرش آنان به نهادهای شهری و توقعشان از آنهاست.

۲) در حدود نیم قرن پیش از وقوع مشروطه مؤسسه‌های نوی پدید آمده بود که در این دوره خصوصاً در تهران به سرعت رو به فزونی گذاشت. در این مطالعه، به برخی از وزیرگاههای مکانهایی می‌پردازیم که مؤسسات نو را در خود جای می‌داد.

برای روشن شدن پرسش اصلی، نخست باید به دو سؤال پاسخ داده شود: یکی آنکه گروههای در گیر در انقلاب مشکل از چه اقسام شهری بودند؛ دیگر آنکه نهادهای تندی جدید که در این دوره به تازگی جای پای خود را در حیات شهری بازگردید بودند کدام‌اند. در پاسخ به سؤال نخست، به اختصار می‌توان گفت که جمعیت شهری در این زمان به چهار قشرکلی تقسیم می‌شد:

انقلاب مشروطه ایران رخداد عظیمی است که بسیاری از شئون جهان ایرانی را با تحول بنیادی مواجه کرده است. شهر و فضاهای و نهادهای آن، در کنار سایر قلمروهای عمل جمعی، عرصه این تحول بوده است. در میان شهرهای ایران، انقلاب در تهران، با ظهور مدرنیزاسیون شهری در آن، صورت ویژه دارد در این شهر، گروههای مختلف اجتماعی، یعنی کارگران شهری، کسبه، پیشه‌وران و بازرگانان، روحانیان و روشن فکران، هریک بنا به موقعیت و پایگاه اجتماعی خود، در نهادهای مختلفی به فعالیت پرداختند. در تهران عصر مشروطه، گروههایی برازی پیش از مکانها پرداختند. خواسته‌های جمعی خود در جریان انقلاب در نهادها و مکانهای خاص حضور یافتدند و به کنشهایی در این مکانها پرداختند. مسجد، مزار امامزاده، میدان، و قهوه‌خانه از پیش در شهر وجود داشتند؛ اما همراه با تحولات جدید، کنشهای اجتماعی تازه‌ای را پذیرا شدند و کارکردی دیگرگون یافتدند. همچنین در این زمان، مؤسسات و نهادهای تندی جدیدی چون مجلس شورا، سفارت‌خانه، مدرسه جدید، کتابخانه و کتابفروشی جدید، اخیمن، تلگراف‌خانه، تماشاخانه، و ... با به عرصه اجتماع نهادند و مکانهای شهری نو شکل گرفت.



ت ۱. اعتضاب بازاریان

تهران

گروه روشن‌فکرانی بود که می‌کوشیدند تا پایه فکری و اعتقادی در جهت تغییرات و اصلاحات به وجود آورند.<sup>۵</sup> دستاوردهای این روشن‌فکران و البته دگراندیشان دینی در حوزه اندیشهٔ سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه شکل‌گیری مباحث و مفاهیمی از این دست بود: تغییر در مفهوم سنتی قدرت و ایجاد مفهوم نو دولت، انسان شهروند به جای انسان رعیت، ناسیونالیسم، برابری بر مبنای نظریه حقوق اجتماعی، لیبرالیسم، و ... تکوین این مفاهیم خود زمینه را برای گسترش نهادها و مؤسسات تقدیمی جدید که پیش از این وارد ایران شده بود فراهم کرد. همچنین تحولات فرهنگی و ادبی که به موازات دیگر تغییرات آغاز شده بود، خصوصاً در حوزه‌های ادبیات و ادبیات نمایشی که ابزار انقلاب به شمار می‌رفت، سرعت می‌گرفت و نهادهای خود را طلب می‌کرد. مهم‌ترین مظاهر تقدیمی جدید در دوره مشروطه را می‌توان چنین بر شمرد: ترجمه و نشر کتاب، نشر روزنامه، مدارس جدید، انجمنها و احزاب سیاسی جدید، تئاتر. مدارس جدید به منزله کانون اصلی معارف و اندیشه‌های تو مورد توجه بود؛ روزنامه‌های غیردولتی پیش از جنبش و پس از آن مهم‌ترین وسیله آگاهی‌بخش بودند. در خصوص اهمیت این اسیاب فرهنگی همین بس که با گشوده شدن فضای سیاسی در فاصله یک سال پس از مشروطه، شمار جراید به نود رسید.<sup>6</sup> به تئاتر یا نمایش جدید، بیشتر با مضامین انتقادی، چون رسانه‌ای برای آگاهی‌بخشیدن توجه شد؛ به طوری که پس از روزنامه‌نویسی، مشغله دوم قشر روشن‌فکر به حساب می‌آمد.<sup>7</sup>

روحانیان؛ طبقهٔ متوسط سنتی، شامل تجار و کسبه و پیشه‌وران؛ روشن‌فکران؛ کارگران شهری. روحانیان که تعليم و تربیت و نظام قضایی و اوقاف را بر عهده داشتند، مهم‌تر از تجار و کارگران شهری بودند. تجار و کسبه و پیشه‌وران طبقهٔ متوسط شهری را تشکیل می‌دادند و با روحانیان پیوستگی نزدیک داشتند. کارگران طبقات فروdest اجتماع بودند و تقابلات قوی مذهبی داشتند و نفوذ روحانیون در میان آنان بسیار بود. روشن‌فکران، به رغم تعداد اندک و تفاوت‌های حرفه‌ای و اجتماعی در میانشان، قشری متمایز تشکیل می‌دادند؛ چرا که همگی خواهان ارزش‌های جدید و دگرگونی بنیادی اقتصادی و سیاسی و اعتقادی بودند.<sup>۱</sup>

اما در پاسخ به سؤال دوم، باید اندکی به چرایی و چگونگی پیدایی نهادهای جدید از دریجهٔ ورود مدرنیته به ایران پپردازم. انقلاب مشروطه ایران، در شکل سیاسی‌اش، قیام انسان ایرانی بر ضد بنیاد سیاسی جهان خود است؛ این انقلاب خود نتیجهٔ تحولات عظیمی است که قریب به دو سده پیش در ایران و بسیاری از ممالک مشرق‌زمین آغاز شده بود. گرچه عوامل بسیاری در این امر نقش داشته‌اند؛ بیشتر مورخان و تحلیلگران انقلاب بر نقش کلیدی روپارویی ایران با تقدیم غرب، که از حدود یک سده پیش تراویح گرفته بود، تأکید می‌ورزند و تأثیرهای این تقابل را بر عوامل پیدایی انقلاب مؤثر می‌دانند. از مهم‌ترین نتایج برخورد ایران با تقدیم غرب، شکل‌گیری جریان مدرنیزاسیون در کشور بود که با اقدامات عباس‌میرزا در زمینهٔ اصلاحات نظامی، اعزام محصل به اروپا، راهاندازی نهضت ترجمه، و نشر روزنامه آغاز شد.<sup>۲</sup> در دورهٔ بعد، خصوصاً در دورهٔ ناصری، عواملی چند چون افزایش تعداد اروپاییان در ایران، تغییر الگوی تجارت خارجی، افزایش مهاجرت به خارج، و گسترش وسایل ارتباطی باعث افزایش ارتباط ایرانیان با جهان خارج گردید.<sup>۳</sup> همچنین ناصر الدین شاه، که خود مفتون نظم و پیشرفت و تأسیسات مدرن در فرنگ بود، می‌کوشید برخی از نهادهای غربی را در جامعه ایران تأسیس کند. در این دوره، مدارس با شیوهٔ آموزشی نو تأسیس شد، فعالیت روزنامه‌های خارج از کشور فروزی یافت، اداره انطباعات و ترجمه تأسیس شد، و حتی شاه به فکر ایجاد قانون افتاد.<sup>۴</sup> تحول مهم این دوره شکل‌گیری

## انواع عرصه‌ها و نهادهای شهری و نقش آنها در جریان انقلاب

در ادامه با بهره‌گیری از متون تاریخی مربوط به انقلاب مشروطه، به جستجوی انواع مکانها و فضاهای شهری ای در تهران می‌پردازیم که عرصه تحولات یاد شده بوده‌اند؛ و نقش و کارکرد آنها را در جریان انقلاب توصیف می‌کنیم.



ت.۲. تجمع عده‌ای از مشروطه‌خواهان در مقابل سفارت انگلستان در تهران



ت.۳. یکی از چادرها در پست‌نشیق سفارت انگلستان در تهران

یکی از فضاهای عمومی در شهر که پایگاه گردنهای و فعالیت بخشی از اقسام اجتماعی در جریان انقلاب بوده مسجد است. این مکان، که پیش از آن نیز غیر از کارکرد عبادی اش مهم‌ترین فضای عمومی شهر بود، در این زمان نیز محل سخنرانیها و اعتراضات جمعی و تحصنهایی شد که هدایت بیشتر آنها بر عهده روحانیان بود و تجارت و کسبه و توده مردم در آن سهیم بودند. مهم‌ترین مکانهای دینی دیگری که در این زمان تحصن در آن روی داد حرم عبدالعظیم (ع) است که محلی برای گردنهای وسیع‌تر اقسام را داشده بود. موضوع شایان توجه این است که گزارش‌هایی که از برقراری گردنهای و اعتراض در مساجد مرکزی شهر و حرم عبدالعظیم (ع) شده است، بیشتر به پیش از صدور فرمان مشروطیت باز می‌گردد. احمد کسری در خلال بازگویی اعتراض بازگنانان به تعریفهای جدید گمرکی که در صفر ۱۳۲۳ رخ داد، می‌گوید:

بازرگنانان نامه به عین‌الدوله نوشتند. او با حضور نوز و سعد‌الدوله نشستی با بازرگنان دشتمان ترتیب داد [...]. نوز [...] به بازرگنان دشتمان گفت و جلسه به هم خورد. روز ۱۹ صفر، تیمچه‌ها و کاروان‌سراها و بازار برازان تعطیل شد و آنها [تجار] به عبدالعظیم پناه بردند. آنان سه خواسته داشتند...<sup>۱۱</sup>

در شرح اعتراضات نیز که به علت تنیه بازرگان به بهانه گرفتار شکر در شوال ۱۳۲۳ رخ داد، می‌گوید: بازرگنانان بازارها را بسته به مسجد شاه روی آوردنده [...] آنان می‌خواستند که شاه علاء‌الدوله را از حکمرانی تهران بردارد و همچنین مجلسی برای رسیدگی به دادخواهی‌های مردم برپا دارد.<sup>۱۲</sup> در ادامه این اعتراض، حدود دوهزار نفر از تجار به همراه آقایان طباطبائی و بهبهانی در صحن حرم عبدالعظیم بست نشستند.<sup>۱۳</sup>

پیش از مشروطه، فعالیت گروهها و جمعیتهای سیاسی سری بود. پس از صدور فرمان مشروطه، جمعیتهای سیاسی با هدف حمایت و دفاع از مشروطیت پدید آمدند. این مجتمع سیاسی نوظهور، که برخلاف گذشته آشکارا فعالیت می‌کردند و در تهران رشد فزاینده‌ای یافتد، «الجمن» نامیده شدند. انجمنها را می‌توان به دو دسته کلی انجمنهای ایالتی و ولایتی و انجمنهای ملی تقسیم کرد. انجمنهای رسمی ایالتی و ولایتی قدرت اجرایی و قضایی و اختیارات قانونی داشتند.<sup>۱۴</sup> انجمنهای ملی باشگاهها یا تشکلهای متعلق به افرادی با برخی منافع مشترک محلی، سیاسی یا انسان‌دوستانه بودند. آنها بر ضد عناصر انتخابی و سلطه خارجی تبلیغ می‌کردند و خواستار ایجاد مدارس جدید، کتابخانه‌ها، تئاتر، توسعه صنایع، بهره‌برداری از معادن، گسترش تجارت، عرضه خدمات عمومی به شهرنشینان و ... بودند. در تعداد انجمنهای ملی در تهران اختلاف نظر است؛ اما در میان ارقام ذکر شده، تعداد ۱۴۴ انجمن صحیح‌تر می‌غاید.<sup>۱۵</sup> انجمنهای ملی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: انجمنهای اهالی ولایات ساکن استان تهران، انجمن محله‌های تهران، انجمنهای اصناف، انجمنهای فرهنگی و آموزشی، و انجمنهای متفرقه.<sup>۱۶</sup>

در شرح محافلی که دو روحانی طرفدار مشروطه (آیت‌الله طباطبایی و آیت‌الله بهبهانی) برای آگاه کردن مردم از اوضاع نابسامان کشور، فوايد قانون، مجلس قانون‌گذاری و ... برگزار می‌کردند، چنین آمده است:

در خردادماه ۱۲۸۵ [...] دو سید تصمیم گرفتند که هر شب مجلسی داشته باشند و مردم را به حال خود نگذارند [...] بهبهانی در مسجد سریولک و [...] طباطبایی در مسجد چاله حصار به منبر می‌رفتند.<sup>۱۴</sup>

در تیرماه ۱۲۸۵ش، به دنبال شورش مردم در اعتراض به دستگیری شیخ محمد واعظ و متعاقب آن کشته شدن سیدی به نام سید عبدالحمید، گروهی از طلاب، کسبه، اصناف به همراه دو روحانی پیشو و دیگر طلاب در مسجد جمعه متخصص شدند:

کم کم کوشندگان از هر سو می‌شتافتند و بازار و کاروان‌سرا و تیمچه بسته می‌شد و شورشیان به مسجد جامع در می‌آمدند [...] برازان چادر بزرگی آورده و در حیاط مسجد برافراشتند [...] علماء [...] بر این نهادند که برپاشدن عدالتخانه را بخواهند و تا خواست خود را پیش نبرند، از مسجد بیرون نروند.<sup>۱۵</sup>

این تحصن سه یا چهار روز طول کشید؛<sup>۱۶</sup> و پس از آن متخصصان و سایر هواداران نهضت، که شمارشان به هزار تن می‌رسید، به قم مهاجرت کردند.<sup>۱۷</sup>

اما پس از صدور فرمان مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی، مسجد - مدرسه سپهسالار، واقع در جوار مجلس شورای ملی و میدان بهارستان، برای گردهمایی‌های هواداران مشروطه موقعیتی ممتازتر از مساجد دیگر داشت و بیشتر گزارش‌های اعتراضات جمعی در مساجد مربوط به این بناست. این مسجد مهم‌ترین پایگاهی بود که انجمنهای متعدد تهران برای گردهم‌آمدن در آن حضور می‌یافتدند. ژانت آفاری در شرح مقاومت مردم تهران به دنبال کودتای نخست محمدعلی‌شاه علیه مجلس در آذرماه ۱۲۸۶ش چنین می‌گوید:

روز بعد، بازاریان تعطیل کردند و سکنه تهران دست به اعتضاب عمومی زدند. اعضای انجمنها دفاتر مسجد سپهسالار در نزدیکی مجلس را اشغال کردند؛ عده‌ای در محوطه چادر زدند.<sup>۱۸</sup>

ادوارد براؤن نیز این واقعه را چنین بیان کرده:



ت. ۴. جشن سال دوم  
اعطای مشروطه در  
میدان بهارستان



ت. ۵ اعدام میرزا هاشم  
دوچی از عمالقان  
مشروطه در میدان  
بهارستان

ویزگی این نهضت آن است که مردم باید در محل مجلس و مسجد، که در جوار هم بودند، گرد می‌آمدند. در داخل و اطراف این دو ساختمان، غریب‌ترین جمعیتی که تاکنون مشاهده شده بود، گرد آمده بودند [...]. جوانان غرب‌زده با یقه‌های سفید، روحانیون با عمامه‌های سفید، سادات با عمامه‌های سبز و آبی [...]. کلاه‌غدیها، عباوه‌های های کسبه [...] در آنجا گردآمده‌اند تا برای آرمان آزادی بستیزند.<sup>۱۹</sup>

در توصیف وقایعی هم که در پی آماده شدن محمدعلی‌شاه برای براندازی مجلس رخ داد آمده است: اقلاییون مجاهدین و اعضای انجمنهای تهران [...] در مسجد سپهسالار جمع شدند. نایندگان بیش از ۱۸۰ انجمن حضور یافتند و هر انجمن یکی از حجره‌ها را اشغال کرد و لوحة خود را بر سردر آن آویخت. گروهی از حامیان مجلس، تهی دستان وضعقا، بر بامها و خیابانهای نزدیک مجلس می‌خواهیدند.<sup>۲۰</sup>

به هنگام انقلاب مشروطه، بستنشیقی به منظور اعتراض جمعی و طرح تقاضای اصلاح به اوج خود رسید. در این دوران، دفترهای نایندگی کشورهای دیگر

حتی پینه‌دوز و گردوفروش و کاسه‌بندزن که اضعف اضعاف‌اند در آن خیمده‌اند.<sup>۲۴</sup>

ادوارد براون نیز از زبان یک شاهد عینی انگلیسی منظرة این تحصن را چنین توصیف می‌کند:

تمامی بازارها بسته و قریب ۱۲۰۰۰ هزارنفر در باع سفارت اردو زده‌اند [...]. همه تقاطع باع با چادرها پوشیده شده [...] آشپزخانه و ترتیب غذای آنها نمونه‌ای از نظم بود.<sup>۲۵</sup>

ناظم‌الاسلام کرمانی نیز به حضور گروههای دانش‌آموزان و دانشجویان مختلف در باع اشاره می‌کند. به تعبیر او، آنان با ایراد سخنرانی سفارت را به «یک مدرسه باز علوم سیاسی» تبدیل کرده بودند.<sup>۲۶</sup>

یکی از مهم‌ترین مکانهایی که مردم خودجوش در آن جمع می‌شدند عرصه‌های عمومی باز، بهویژه میدانها، بود. در این زمان، میدان وظیفه‌ای نو در تبلور مناسبات اجتماعی یافت و به مکان تظاهرات و تقابلات اجتماعی-سیاسی تبدیل شد. شاخص‌ترین این فضاهای در دوره پس از صدور فرمان مشروطه و تشکیل مجلس، میدان بهارستان در تهران است.<sup>۲۷</sup> که با جای دادن نهاد مجلس در جوار خود، به عرصه تقابلات اجتماعی وارد شده و از آن پس طی سالهای طولانی به عنصری غادین در تظاهرات اجتماعی بدل شد. شاید بتوان گفت که این تظاهرات تنها جایی بود که اقشار مختلف (روحانیون و طلاب، میدان مذہبی، اصطبلهای سلطنتی و تلگرافخانه‌ها) هم مکانهایی برای پناه جستن به شمار می‌رفت؛ چنان‌که جوار توب هم همین نقش را بازی می‌کرد. با استقرار نایندگیهای خارجی در ایران، بستنشیفی پُعد تازه‌ای یافت و از آن پس در محوطه سفارت‌خانه‌ها هم بست می‌نشستند.<sup>۲۸</sup>

اما واپسین اعتراضی که به صدور فرمان مشروطیت انجامید تحصی ات که در محل سفارت انگلستان در تهران رخ داد و در آن تجار، محصلان، اعضای جمعیتهای مخفی، گروههای مختلف سیاسی، و ... حضور داشتند. تعداد این متحصنان را تا ۱۴۰۰۰ نفر نیز ذکر کرده‌اند، که حدود یک سوم نیروی کار تهران در آن زمان به شمار می‌رود.<sup>۲۹</sup> فضای این بستنشیفی در کتاب کسری چنین توصیف شده‌است:

بیش از پنجاه تن کمایش از بازرگانان و طلبها به سرای سفارت در شهر رفته و در آن جا نشیمن گزیدند. در روزهای آقی جمعیت به سیزده‌هزار تن بالا رفت. قریب پانصد خیمه، بلکه بیشتر، زده‌شد. قام اصناف، در بهارستان رخ داد. آثاری در این باره نوشته است:

مباسی‌برایی



ت ع سردر و قسمت از  
عمارت مجلس شورای  
ملی در میدان بهارستان

در ایران از رایج‌ترین مکانهایی بود که مردم در آنها بست می‌نشستند. از نگاهی گذرا به موضوع بستنشیفی در ایران معلوم می‌شود که در ابتدای قرن نوزدهم موضوع حمایت از اهل ذمہ با موضوع حمایت به معنای وسیع کلمه و موضوع بستنشیفی که رسمی دیرین بود به هم آمیخته بود. پیش‌تر عادی‌ترین جایی که مردم پناه می‌جستند مسجد یا زیارتگاه بود. از دوران صفویان به بعد، مردم مزار اولیای دین را محلی برای بستنشیفی می‌دانستند. دروازه‌های کاخ سلطنتی در اصفهان، آبدارخانه‌های سلطنتی و اصطبلهای سلطنتی نیز چنین وضعی داشتند. در دوران قاجار، گذشته از زیارتگاهها و مسجدها و خانه رهبران مذهبی، اصطبلهای سلطنتی و تلگرافخانه‌ها هم مکانهایی برای پناه جستن به شمار می‌رفت؛ چنان‌که جوار توب هم همین نقش را بازی می‌کرد. با استقرار نایندگیهای خارجی در ایران، بستنشیفی پُعد تازه‌ای یافت و از آن پس در محوطه سفارت‌خانه‌ها هم بست می‌نشستند.<sup>۲۲</sup>

اما واپسین اعتراضی که به صدور فرمان مشروطیت انجامید تحصی ات که در محل سفارت انگلستان در تهران رخ داد و در آن تجار، محصلان، اعضای جمعیتهای مخفی، گروههای مختلف سیاسی، و ... حضور داشتند. تعداد این متحصنان را تا ۱۴۰۰۰ نفر نیز ذکر کرده‌اند، که حدود یک سوم نیروی کار تهران در آن زمان به شمار می‌رود.<sup>۲۹</sup> فضای این بستنشیفی در کتاب کسری چنین توصیف شده‌است:

بیش از پنجاه تن کمایش از بازرگانان و طلبها به سرای سفارت در شهر رفته و در آن جا نشیمن گزیدند. در روزهای آقی جمعیت به سیزده‌هزار تن بالا رفت. قریب پانصد خیمه، بلکه بیشتر، زده‌شد. قام اصناف،

چنان که آمد، از مهم‌ترین دستاوردهای جنبش مشروطه شکل‌گیری تشكیلها و احزابی بود که انجمن خوانده می‌شدند. پیش از تأسیس مجلس، از آنجا که فعالیت انجمنها سری بود، مکان مشخصی برای تشکیل آنها وجود نداشت و جلسات آنها بیشتر پنهانی و سیار در خانه اعضای آنها تشکیل می‌شد. مثلاً ملک‌زاده در کتاب خود سه خانه را از مکانهای تشکیل انجمن ملی<sup>۳۳</sup> نام برده است: خانه میرزا سلیمان‌خان میکده، واقع در خیابان گمرک؛<sup>۳۴</sup> خانه حاجی شیخ مهدی شریف کاشانی، که در یکی از محله‌های دورافتاده شهر بود؛<sup>۳۵</sup> و خانه ملک‌المتكلمين.<sup>۳۶</sup> او از خانه حکیم‌الملک، واقع در خیابان پست‌خانه، نیز به عنوان محل تشکیل کمیته سری انقلاب (هسته مرکزی انجمن ملی) نام برده است.<sup>۳۷</sup> پس از صدور فرمان مشروطه، فعالیت بیشتر انجمنها در محله‌ای آشکار صورت می‌گرفت؛ گرچه برخی از انجمنها همچنان مخفیانه فعالیت می‌کردند. مقر دائمی دستکم ۲۳ انجمن از انجمنهای ملی در روزنامه‌های حبلى‌التبین و ندای وطن ذکر شده است.<sup>۳۸</sup> که برخی از آنها خانه‌هایی بودند که دفتر انجمن شده بود. در اینجا، به ذکر چند غونه اکتفا می‌کنیم: انجمن آذربایجان، که از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین انجمنهای پایتخت بود، در خیابان چراغ گاز یا منتهی‌الیه خیابان ظل‌السلطان قرار داشت و با مجلس فاصله‌چندانی نداشت.<sup>۳۹</sup> انجمن مظفری در بهارستان و در جوار ورودی مجلس بود و نایندگان همه انجمنها از آن به منزله محل ملاقات استفاده می‌کردند.<sup>۴۰</sup> انجمن اخوت، که به واسطه حضور عناصر روش‌فکر در آن، کانون فرهنگی مترقبی در دوره مشروطه بود، در محل خانه ظهیر الدوله تشکیل می‌شد. فعالیتهای این گروه شامل اجرای کنسرت و برگزاری غایش بود.<sup>۴۱</sup> چنان‌که آمد، این انجمنها در جریان اعتراضات معمولًا همه با هم در صحن مجلس یا مسجد سپه‌سالار گرد می‌آمدند.

در همان حال برخی از تشكیلهایی که زنان پدید آورده بودند در مدارس تازه‌تأسیس تشکیل می‌شد. در روزنامه ایران نو، از سخنرانی یکی از زنان جنبش در مدرسه انانیه شاه‌آباد یاد شده است.<sup>۴۲</sup> در شماره دیگری از این روزنامه نیز آمده است:

الجمن مرکزی همراه با تعدادی از انجمنهای دیگر در تهران خیمه‌هایی در میدان بهارستان برافراشتند و قسم خوردنده تا تصویب متمم قانون اساسی همان‌جا بمانند [...] ظهور ناگهانی گروهی مشکل از زنان [...] مجلس را به حیرت انداخت.<sup>۴۳</sup>

کسری نیز فضای میدان بهارستان را به هنگام جدل دو گروه موافق و مخالف قانون اساسی در مجلس چنین توصیف می‌کند:

مردم همگی اتفاقی مجلس و سراسر باع بهارستان و جلوخان مجلس و خیابانها را بر کرده بودند و در هر گوش‌های طبله یا ملا و یا فرنگرفته و ... بر بالای بلندی رفتند به مردم سخن می‌راند [...]. در این زمان، شاگردان مدارس و زنان نیز در خیزش پا در میان داشتند. به گفته حبلى‌التبین، پانصد نفر از زنان در جلوخان بهارستان گرد آمده بودند.<sup>۴۴</sup>

در خصوص برگزاری جشن مشروطه در اولین سال اعطای آن نیز می‌نویسد:

بر روی سردر مجلس، طاقی برای نشیمن دو سید و دیگر علما و در پهلوی آن طاقی برای نشیمن وزیران و نایندگان بیگانه بستند. سپس در دو سوی جلوخان مجلس را در میان انجمنها بخشیدند که هر یک طاقی به نام خود آراست.

گفته‌های یک شاهد آذربایجانی از این جشن چنین است: جلو بهارستان را، که میدان وسیعی است، دور تا دور طاق و آذین بسته‌اند و با چراغ و گل و سجاده‌های قیمتی آراسته‌اند [...]. اقسام شربت و لیمونات و میوه و شیرینی چیده [...]. آتش بازی نوظهور صنعتی شد [...]. شاگردان مدارس دسته دسته حاضر و وزراء عظام و رجال دولت و ولایت و کلا مشغول پذیرایی بودند.<sup>۴۵</sup>

ادوارد براون در این خصوص می‌گوید:

بار عام بزرگی در بهارستان داده شد که از ۳ تا ۱۰ شب ادامه داشت [...]. گروه شاگردان مدارس در حین خواندن سرودی در سایش از مجلس و علیه حکومت مطلقه به گردانید باع حرکت می‌کردند [...]. تریبون بزرگی که جلو محکوطة بهارستان برپا و بر قائمی میدان مسلط بود [...] مختص هیئت‌های سیاسی، وزرا و نایندگان بود [...]. تمامی میدان در نور می‌درخشید و در اطراف، تریبونهای کوچک‌تری توسط انجمنهای مردمی برپا شده بود.<sup>۴۶</sup>

می برداختند. این کانون علمی [...] زمینه تشکیل کنگره عمومی آزادی خواهان تهران گردید و هسته مرکزی حزب مشروطه طلب را در ایران به وجود آورد [...]. در اندک زمانی، صدها نفر از روشن فکران و مصلحین مدارس عضویت آن را پذیرفته و در آنجا به مطالعه می برداختند.<sup>۴۵</sup>

از کتاب فروشیهای که در آن زمان پاتوق روشن فکران به شمار می رفت می توان کتاب فروشی تهران نو را یاد کرد، که مدیر آن نیز از پایه گذاران حزب دموکرات دوره دوم مجلس شورای ملی بود.<sup>۴۶</sup> در شهرهای دیگر چون تبریز نیز کتاب فروشیهای وجود داشت که محل تجمع آزادی خواهان و روشن فکران بود.<sup>۴۷</sup> علاوه بر این، برای آنکه کتب و جراید به آسانی در اختیار عموم باشد، چند قرائت خانه عمومی در تهران و سایر پلادر تأسیس شد.<sup>۴۸</sup>

با شکل گیری تئاتر در ایران، که محلی برای بروز افکار جدید بود، تماشاخانه های جدید نیز به مکانهای شهری افزوده شد. جمشید ملک پور از شکل گیری نخستین تماشاخانه ها، با هدف عرضه ادبیات انتقادی، در جوار خیابانهای جدید یاد می کند و می گوید:

از مهم ترین تماشاخانه های تماشاخانه اریتال یا ایترناسیونال تیاتر بود که در محل کافه رستورانی به همین نام در خیابان ناصریه تأسیس شد.<sup>۴۹</sup>

او به برپایی تماشاخانه دیگری در این خیابان به نام تماشاخانه ناصریه اشاره می کند که در محل سابق یک در شکه خانه ایجاد شده بود.<sup>۵۰</sup> همچنین در دوره مشروطه سالن تئاتر ملی در بالای چاپ خانه فاروس در خیابان لاله زار تأسیس شد.<sup>۵۱</sup> مطبوعه فاروس در خیابان لاله زار از مراکز مهم فرهنگی شهر بود. این مطبوعه را شرکت به نام شرکت علمیه فرهنگ در سال ۱۳۲۸ق به ریاست لئون کوان تأسیس کرد. در ساختمن این مطبوعه، گذشته از چاپ خانه، یک کتابخانه و یک تالار اجتماعات و مکان برپایی کنسرت ایجاد شد. یک رستوران نیز در جوار مطبوعه فاروس جای گرفت. نایش پاتومیم و کنسرت شاگردان دارالفنون از طریق درج در روزنامه ایران نو در مطبوعه فاروس اعلان می شد. این جریده ترجمان حزب دموکرات بود و فعالیتهای شرکت علمیه فرهنگ و مطبوعه فاروس نیز جزئی از برنامه های فرهنگی و سیاسی آن حزب به



برخی از زنان، به خصوص رؤسای مدارس و معلمین، نشستهایی در مدارس دخترانه برگزار می کردند و از خواتین دعوت می کردند حضور یابند.<sup>۴۳</sup>

همان طور که آمد، گسترش ترجمه و نشر کتاب در جهت آشنایی با اندیشه های نو پیشتر به دست قشر تحصیل کرده و روشن فکر صورت می گرفت. در این زمان، کتابخانه ها و کتاب فروشیها، که اکثراً در جوار خیابانهای جدید شکل می گرفت، محل تجمع و بحث و گفتگو، و به عبارتی «پاتوق» قشر روشن فکر بود. در سال ۱۳۲۲ق، اعضای انجمن معارف با گردآوری کتابهای خود نخستین کتابخانه ملی را ایجاد کردند. این کتابخانه کانون تجمع اعضای این انجمن و دیگر اصلاح طلبان بود.<sup>۵۲</sup> ملک زاده در این خصوص می گوید:

در سال ۱۳۲۲ق [...] ملک المتكلمين و حاجی سید نصر الله تقی و میرزا محمد علی خان نصرت السلطنه دامن همت به کمر زده و به تأسیس کتابخانه ملی، که هسته کتابخانه ملی فعلی است، همت می گمارند و یک دستگاه عمارت فوقانی، یا به اصطلاح آن زمان چند بالاخانه، در خیابان ناصری اجاره می کنند و کتابهای شخصی خود را وقف آن مؤسسه می کنند [...]. عده ای از معارف پروران هم کتب چند بدان مؤسسه هدیه می کنند؛ و بدین ترتیب کتابخانه عمومی ملی برای اولين دفعه در ایران تأسیس می شود [...]. کتابخانه ملی علاوه بر استفاده علمی که از آن می شد، در اندک زمانی کانون آزادی خواهی و مرکز مهم ترویج افکار نوین گردید و هر روز عده ای از روشن فکران در آنجا جمع شده، به تبادل نظر و اندیشه در اوضاع سیاسی کشور

ت ۷. اجتماع در مخالفت با مشروطه در میدان توپخانه



کلیلیت تئاتر شاهزادی ایران

ت. ۸. اجتماع مردم در مقابل مجلس شورای ملی در میدان بهارستان

شهری مختلفی روی آوردند. روحانیان مشروطه‌خواه و بیشتر اقشار سنتی پیرو آنان، یعنی کارگران شهری و بخشی از طبقه متوسط سنتی (تجار و کسبه)، در سالهای پراشوب پیش از صدور فرمان مشروطیت که نهادهای رسمی مدنی هنوز شکل نگرفته بود، به مکانهایی روی می‌آوردند که پیش‌تر نیز در آن پایگاه داشتند. این مکانها عبارت است از: بازار، مساجد درون آن، و حرم حضرت عبدالعظیم (ع). در مقابل، قشر روشن‌فکر، که خود طبقه جدید شهری محسوب می‌شد، از همان ابتدا برای بیان نظرها و خواسته‌های خود به مؤسسات تمدنی جدیدی روی آوردند که پیش‌تر در جریان آغاز مدرنیزاسیون تا حدی شکل گرفته بود. از مهم‌ترین این مؤسسات جدید، می‌توان از انجمنها، که در این زمان مخفیانه فعالیت می‌کردند، کتابخانه و کتاب‌فروشیهای جدید، و قرائت‌خانه‌ها یاد کرد.

در جریان انقلاب، سفارت خانه انگلستان در تهران به محل بستنشی و پناه‌جویی برخی از مشروطه‌خواهان، از جمله تجار و کسبه بازار، پیشه‌وران و دانش‌آموختگان تبدیل شد. گرچه انتخاب چنین مکانی برای بستنشی ناشی از برخی ملاحظات سیاسی بوده است؛ نمی‌توان در تغییر مکان بستنشی از مکانهای مقدس به مکانهای چون سفارت‌خانه و تلگراف‌خانه، نقش تغییر طرز نگرش اشاره جامعه به مسائل اجتماعی و توقعشان از نقش مؤسسات جدید را نادیده گرفت. البته این موضوع در حد فرضیه است و جای تحقیق و تفحص بسیار دارد.

شار می‌رفت. در این محل، مجالس سخنرانی منعقد می‌شد، نمایشنامه‌های آخوندزاده<sup>۵۲</sup> را اجرا می‌کردند و فیلم نمایش می‌دادند.<sup>۵۳</sup>

خانه‌های برخی از اعیان و محوطه‌های مجاور آن از دیگر محلهای اجرای تئاتر بود. ملک پور از سیدعلی خان نصر چنین نقل می‌کند: «وقتی مشروطه‌خواهان قیام کرده بودند و صدای توپ در شهر شنیده می‌شد، در پارک امین‌الدوله نمایش‌های ملی بر ضد استبداد می‌دادند». در جای دیگر می‌آورد:

[عده‌ای] از جوانان آزادی‌خواه به فکر علاجی برای رفع عقب‌ماندگی [...] افتادند [...]. چند تئاتر در پارک اتابک و پارک ظهیرالدوله درست کردند، تا عواید آن را

صرف فرهنگ عمومی کنند.<sup>۵۴</sup>

چنین مکانهای حقیقی برای برگزاری مخالف مربوط به زنان نیز به کار می‌رفت؛ چنان‌که زنی به نام زهراسلطان نظام‌السلطنه در نامه‌ای به برادرش در این خصوص نوشتند:

خانه‌ای ایران یک شرکت خیریه درست کرده‌اند [...]. در پارک اتابک، یک مجلس کنفرانس و سینماتوگراف دادند و با پولی که جمع می‌شود می‌خواهند یتیم خانه و مریض‌خانه و مدرسه برای دخترها درست کنند.<sup>۵۵</sup>

از دیگر کانونهای تجمع مردم و از مراکز تبادل اخبار و افکار قهقهه‌خانه‌ها بود. فریدون آدمیت ذیل گزارش ناآرامیها در کشور می‌گوید:

مرد بالای هجونامه‌ای علیه پادشاه و خادمان حرم در دکان خود چسباند [...]. مرد مسکری در مجلس فواید عامه به دولت سخت پرسخاش کرد. به دنبال آن، قهقهه‌خانه‌های شهر را، که یکی از کانونهای تجمع مردم بود بستند.<sup>۵۶</sup>

ادوارد براؤن نیز در این باره می‌نویسد: در بسیاری از قهقهه‌خانه‌ها، نقالان حرفه‌ای به جای نقل داستانهای اساطیری شاهنامه، مشغول محتوظ کردن مستمعین با اخبار سیاسی هستند.<sup>۵۷</sup>

#### نتیجه

انقلاب مشروطه ایران اشاره و گروههای مختلفی از اجتماع را درگیر کشی اجتماعی کرد که هر کدام از آنها با نگرش خاص خود به نهادهای اجتماعی و فضاهای

پس از صدور فرمان مشروطه و با شکل‌گیری نهاد دارالشورا، حیاط مجلس و میدان نوینیاد بهارستان به مهم‌ترین عرصه تقابلات اجتماعی تبدیل شد که در آن قامی اقتدار مردم حضور می‌یافتدند. مسجد سپه‌سالار، که در جوار مجلس و میدان بهارستان قرار داشت و از موقعیت ممتاز شهری برخوردار بود، به مرکز تجمع و فعالیت کثیری از مشروطه‌خواهان تبدیل شد. در این زمان، انجمنهای شهری صورتی رسمی یافته‌اند، تعداد آنها افزایش چشم‌گیر یافت، و مکان آنها، که پیش‌تر پنهان و معمولاً در خانه‌های واقع در خارج از شهر بود، به قلب شهر و خصوصاً به اطراف میدان بهارستان منتقل شد. سایر نهادهای مدنی جدید نیز گسترش یافت و طبقه‌روشن فکر از این پایگاهها برای ترویج افکار جدید و جلب توجه عامه استفاده می‌کردند. در این میان، علاوه بر نهادهایی که پیش‌تر ذکر شد، تماشاخانه‌ها و مدارس جدید، که در این زمان امکان فعالیت بیشتری یافته بودند، خصوصاً از این نظر که طیف وسیعی از توده‌های مردم را به خود جلب می‌کردند، از اهمیتی چشم‌گیر برخوردار شدند. □

## کتاب‌نامه

۱. کسری، احمد. تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
۲. لمپتون، آن کی. اس. نظریه دولت در ایران، ترجمه چنگیز یهلوان، تهران، گیو، ۱۳۷۹.
۳. ملک‌پور، چشید. ادبیات نمایشی ایران (دوره مشروطه)، تهران، طوس، ۱۳۶۳.
۴. ملک‌زاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطه ایران، تهران، سخن، ۱۳۸۳.
۵. پی‌نوشت‌ها:
۱. بیرون اند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۸۹-۷۵؛ رضا رئیس طوسی، «تحولات سیاسی اجتماعی دوران قاجار، ۱۸۴۷-۱۹۰۷»، ص ۶۲-۵۱.
  ۲. رامین جهانبگلو، ایران و مدرنیته، ص ۱۵-۱۲.
  ۳. آن کی. اس. لمپتون، نظریه دولت در ایران، ص ۱۳۷-۱۳۴.
  ۴. جهانبگلو، همان، ص ۸۹ و ۱۱۲.
  ۵. چشید بهنام، ایرانیان و اندیشه تحبد، ص ۷۰ و ۶۹. برخی از مهم‌ترین این افراد عبارت اند از: میرزا ملک‌خان، فتحعلی اخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف تبریزی، سید جمال‌الدین اسدآبادی.
  ۶. ادوارد براؤن، انقلاب مشروطه ایران، ص ۱۳۳.
  ۷. چشید ملک‌پور، ادبیات نمایشی ایران (دوره مشروطه)، ص ۲۷. در یکی از شماره‌های روزنامه تاتار که در آن زمان منتشر می‌شد، هدف از عرضه تاتار چنین بیان شده‌است: «تکمیل لوازم تفنن و تربیت در هیچ مملکت ممکن خواهد شد، مگر به ایجاد سه چیز که اصول سیویلیزاسیون و ترقی و مدنی باشد [...]؛ اول مدرسه [...]». دوم روزنامه [...]، سوم تاتار که تجسم اعمال نیک و بد و عرضه داشتن آن است به مناظر و مشاهد پیشندگان». — ملک‌پور، همان، ص ۲۵۱.
  ۸. زانت آفاری، انقلاب مشروطه ایران، ص ۱۰۵. کارهایی که این انجمنها انجام می‌دادند چنین است: نظارت بر انتخابات مجلس، نظارت بر حکام محلی، تنظیم و اخذ مالیات، اختصاص بخشی از مالیات به کارهای عام النفعه، تصمیم گیری درباره اموال عمومی، اعطای مقری به مخلصان بی‌بضاعت، ایجاد صندوق بازنیستگی. — زانت آفاری، همان‌جا.
  ۹. حسن تقی‌زاده، زندگی طوفانی، نقل شده در: فاطمه شیرالی، انجمنهای تهران در عصر مشروطه، ص ۱۴۷.
  ۱۰. فاطمه شیرالی، ص ۲۱۷-۲۶۷.
  ۱۱. احمد کسری، تاریخ مشروطه ایران، ص ۵۱.
  ۱۲. همان، ص ۶۰.
  ۱۳. مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب، ص ۱۰۴، نقل شده در: بیرون اند آبراهامیان، همان، ص ۱۰۵.
  ۱۴. کسری، همان، ص ۸۷. بنا به گفته‌وی، با آنکه موج دستگیری مخالفان در تهران به شدت به راه بود و صدراعظم برای جلوگیری از این مساجد شبانه به اداره نظمه‌ی دستور داده بود که سه ساعت پس از شب هر کس در بیرون باشد را دستگیر کند، مجلس شبانه در مساجد کماکان برقرار بود. — همان، ص ۸۸.
  ۱۵. کسری، همان، ص ۹۷.
  ۱۶. ادوارد براؤن، همان، ص ۱۲۴.
  ۱۷. زانت آفاری، انقلاب مشروطه ایران، ص ۸۱.
  ۱۸. همان، ص ۱۷۹.
  ۱۹. ادوارد براؤن، همان، ص ۱۶۳.
- آبراهامیان، بیرون اند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نی، ۱۳۷۹.
- آفاری، زانت. انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران، بیستون، ۱۳۸۵.
- اخادیه، منصوره. اینجا تهران است (مجموعه مقالاتی درباره تهران)، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۷.
- انوار، عبدالله. «غرب خیابان لاله‌زار»، در: کتاب تهران، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۲، عج، ج ۳.
- براؤن، ادوارد. انقلاب مشروطه ایران، ترجمه مهری قزوینی، تهران، کویر، ۱۳۷۶.
- بهنام، چشید. ایرانیان و اندیشه تحبد، تهران، فرزان روز، ۱۳۷۵.
- جهانبگلو، رامین. ایران و مدرنیته، تهران، گفتار، ۱۳۸۰.
- راین، اسماعیل. انجمنهای سری و انقلاب مشروطه ایران، تهران، ۱۳۴۵.
- رئیس طوسی، رضا. «تحولات سیاسی اجتماعی دوران قاجار، ۱۸۴۷-۱۹۰۷» (جزوه درسی رشته علوم سیاسی «دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران»)، تهران، ۱۳۶۴-۱۳۶۵.
- شیرالی، فاطمه. انجمنهای تهران در عصر مشروطه، تهران، باران اندیشه، ۱۳۸۴.

۲۰. ملکزاده، تاریخ انقلاب، ج ۳، ص ۶۷۹-۶۸۵، نقل شده در:  
آفاری، همان، ص ۱۷۸.

۲۱. پرواند آبراهامیان به هنگام شرح اعتراضات مردم به محمدعلی شاه در خودداری از توشیح متمم قانون اساسی می نویسد: «پیشنهادهای شاه به اعتراضات عمومی در شهرهای مهم پویزه تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، مشهد و... منجر شد». او به نقل از کسول انگلیس در کرمانشاه می گوید: «همه تجارت و بازاریان و حقیقی باریران در تلگرافخانه بست نشسته‌اند». آبراهامیان، بیران بین دو انقلاب، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲۲. احمد کسری در شرح شورش در تبریز و بست نشیقی مردم در تلگرافخانه می گوید: «تبریزیان چنین می خواستند که [...] مادامی که قانون نامه را به طرف اذربایجان حرکت ندهند، بازار و دکانها باز غنواهد شد و از تلگرافخانه سیارکه بیرون نخواهیم رفت [...]». همچین گفته می شود که [...] آنها قادر بزرگی اورده در حیاط تلگرافخانه برپا کردند». — کسری، همان، ص ۲۹۸ و ۳۰۳.

۲۳. لمپتون، همان، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲۴. رانت آفاری، همان، ص ۸۴.

۲۵. احمد کسری، همان، ص ۱۱۰.

۲۶. ادوارد براون، همان، ص ۱۲۵.

۲۷. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۵۱۴، نقل شده در: آبراهامیان، همان.

۲۸. در حالی که میدان بهارستان کانون گردنهای هواداران مشروطه بود، محلان مشروطه و طرفداران پادشاه وقت محمدعلی میرزا، در مخالفت با مشروطه در میدان توبخانه گرد می‌امند. مهم‌ترین این گردنهایها، در جریان کودتای نافرجام شاه علیه مجلس روی داد که در آن عده‌ای از روحانیان مختلف، اعضای دربار، سران عشایر و هوادارانشان، کارکنان دون‌باشد دربار و اواش در میدان توبخانه چادر زدند. در واکنش به این حرکت، هواداران مشروطه در بهارستان و مسجد سیه‌سالار گرد می‌امند. — آفاری، همان، ص ۱۷۹. احمد کسری، همان، ص ۵۰۹-۵۱۰.

۲۹. کسری، همان، ص ۲۸۲.

۳۰. آفاری، همان، ص ۱۴۱.

۳۱. کسری، همان، ص ۳۴۴-۳۴۱.

۳۲. همان، ص ۴۱۲-۴۱۳.

۳۳. براون، همان، ص ۱۴۸.

۳۴. از جمعیت‌های سیاسی یود که پیش از مشروطه و از سال ۱۲۲۲ فعالیت خود را آغاز کرد، از شخصیت‌های بارز آن می‌توان ملک التسلکلین و سید جمال واعظ را نام برد.

۳۵. مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۲۳۷.

۳۶. همان، ص ۲۴۴.

۳۷. همان، ص ۲۷۲.

۳۸. شیرازی، همان، ص ۲۱۹-۲۶۶.

۳۹. ناشی این احتمالات چنین است:

احتمال ایجاد: منزل عنایت‌السلطنه؛ احتمال برادران حسن آباد؛ حسن آباد، مقابل خانه تقدیم‌الملک، حکمران کردستان؛ احتمال تعصی دروازه قزوین؛ دروازه قزوین، نزدیک خانه بالورسازی؛ احتمال برادران چراغ برق، کوچه ششت بانک شاهنشاهی؛ احتمال متصور: خیابان چراغ گاز، منزل ضیاء‌السلطنه؛ احتمال اصلاح: چهارراه حسن آباد؛ احتمال طعن (علمی)؛ خانه قدیم نظم‌الدوله واقع در محله شاه‌آباد؛ احتمال اتحاد جاوید: نزدیک دروازه قدیم حضرت عبدالعظیم؛ احتمال سعادت: واقع در منزل جلال‌الملک، جنب منزل عضد‌الملک؛ احتمال سعادت عظمی؛ کذر هفت‌تن، خانه‌های معتمدالدوله؛ احتمال جنوی؛

- منزل نایب‌الصدر شیرازی؛ احتمال فتوت: باع سابق فرمان‌فرما که در آن زمان متعلق به سردار معتضد بود؛ احتمال فاطمیه: کوچه غربیان، ۲۵۰، ۲۸۰، ۲۶۱، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، سالهای ۱۲۲۵-۱۲۲۶، و ش ۹۷، نقل شده در شیرازی، همان، ص ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۶۱، ۲۶۲؛ احتمال انسانیت: گلوبندک، خانه مرحوم میرزا صالح مجتهد عرب (ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، نقل شده در شیرازی، همان، ص ۲۲۵)؛ احتمال اتحاد و اتفاق قزوینیان: خیابان ناصریه، کوچه ارمینان؛ احتمال طبرستان: نخست در منزل صدر‌السلطنه و سپس در خیابان بست‌خانه، ش ۲۳؛ احتمال کاشانیان: نخست در پامنار و بعد خانه میرزا عبدالکریم کاشانی در کوچه غربیان؛ احتمال سطوط: سرجشمه، کوچه میرزا محمود وزیر (روزنامه نمای وطن ش ۱۱، ۱۷۲، ۱۰۵ و ۱۱، ۲۶۱ و ۲۶۲، سال ۱۳۲۵)؛ احتمال تولد در: شیرازی، همان؛ احتمال مصلحیان: خیابان لاله‌زار، خیابان صاحف‌باشی؛ احتمال نسوان: کوچه قابچی‌باشی، محله سنجکلچ، خانه ناظم دریار (عین‌السلطنه قهرمان میرزا، روزنامه خاطرات، نقل شده در: شیرازی، همان، ص ۲۶۴ و ۲۶۶).
۳۹. حبل‌التبین، ش ۷۸ (چهارشنبه ۲ جمادی‌الآخری ۱۳۲۵)، ص ۴، نقل شده در: شیرازی، همان، ص ۲۱۹.
۴۰. براون، همان، ص ۱۹۳.
۴۱. ملک‌بور، همان، ص ۲۳-۳۳.
۴۲. ایران‌نو، ش ۱۴۶ و ۱۵۰، نقل شده در: منصوره اتحادیه، نیجا تهران است.
۴۳. ایران‌نو، ش ۱۲۸ (۱۳۲۸)، نقل شده در اتحادیه، همان.
۴۴. آبراهامیان، همان، ص ۹۷.
۴۵. مهدی ملک‌زاده، همان، ص ۲۱۱.
۴۶. عبدالله انوار، «غرب خیابان لاله‌زار»، ص ۱۴.
۴۷. در تبریز، میرزا محمدعلی خان تربیت صاحب کتاب‌فروشی‌ای بود که مرکز تجمع ازادی خواهان و بالاخص اعضاً روزنامه کنچ قنون بود. — اسماعیل رایین، احتمال‌های سری و انقلاب مشروطیت ایران، ص ۱۷۴-۱۷۵.
۴۸. اتحادیه، همان، ص ۵۹.
۴۹. ملک‌بور، همان، ص ۵۶-۵۵.
۵۰. ملک‌بور، همان، ص ۵۶-۵۵.
۵۱. همان، ص ۴۷-۳۹.
۵۲. از روش فکران عصر مشروطه است که در سالهای ۱۲۲۸-۱۲۹۵ می‌زیست. اندیشه سیاسی و اجتماعی پوی برگرفته از ولتر و میرابو و مونتسبکیو، و از طرف خواهان ترقی، تأسیس کستیتوسیون، و اخذ مشروطه تند غربی بود. — بهنام، همان، ص ۷۸، ۷۹ و ۸۷ و از پایه‌گذاران هنر غایش در اذربایجان است.
۵۳. اتحادیه، همان، ص ۶۰.
۵۴. ملک‌بور، همان، ص ۳۱.
۵۵. همان، ص ۱۶.
۵۶. اتحادیه، همان، ص ۲۹۴.
۵۷. آدمیت، همان، ص ۲۲.
۵۸. براون، همان، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.